



گذار در گذر بی زمانی (رویدادهای نامرئی مکان در ارتداد انسانی) مورد مطالعه: شهر تاریخی میبد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴

کد مقاله: ۷۱۶۶۹

سجاد مظفریان*

چکیده

گذرها در بافت های تاریخی اقلیم گرم و خشک ایران نمود های عینی یک جریان و حرکت هستند که در معماری معاصر ایران جایگاه آن ها رو به افول رفته و از کیفیت و اهمیت آنها کاسته شده است. متأسفانه در معماری معاصر نگرش های هویتی به الگوهای موثر گذرها در نقش کهن الگوهای ارزشمند کم رنگ شده است و معماری مدرن توجه بیشتر خود را به تامین کاربری و خدمات در حوزه شهرهای جدید معطوف کرده است. لذا هدف مقاله حاضر بازخوانی بارزه ها و معیارهای کیفی گذر در کالبد گذرهای تاریخی شهر میبد، در قالب رویدادهای کیفی و نامرئی مکان است. روش تحقیق در پژوهش حاضر به صورت توصیفی تحلیلی و در قالب مطالعات کتابخانه ای و میدانی می باشد. نتایج نشان می دهد علیرغم نقش دسترسی در گذرها به عنوان اجزاء شکل دهنده به ساختار معماری در شهر تاریخی میبد، ویژگی های اقلیمی، فرهنگی، اجتماعی و مذهبی در نقش طرح واره های ذهنی انسان سنتی منجر به حضور و ارتداد انسانی شده است. این تنوع نشان از ظرفیت بافت تاریخی در ایجاد کلتی متکثر از عناصر متباین خطی به صورت یک شبکه پویای شهری داشته است.

واژگان کلیدی: گذر، گذار، الگوهای رویداد، بافت تاریخی، میبد

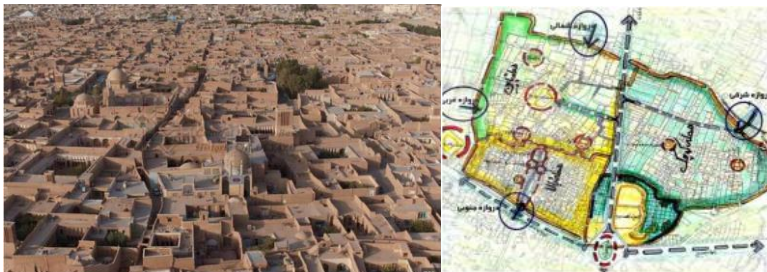
۱- گروه معماری، دانشگاه فنی و حرفه ای، کرج، ایران (کارشناسی ارشد مهندسی معماری) m.zafarian@gmail.com

معماری هر سرزمین ریشه در الگوهای زیستی و منطقه ای آن سرزمین دارد. بدون شناخت گستره ی فرهنگی و اجتماعی مردمانی که در پهنه ی آن سرزمین زیسته اند، نمی توان به درک صحیحی از آن رسید. بافت های تاریخی گذشته، ارزش های پایدار معماری امروزمان هستند که در بروز الگو های هویتی تاثیر فراوانی دارند؛ چرا که متناسب با فرهنگ، اقلیم، کاربران و منطقه طراحی شده اند. بافت های تاریخی سرشار از طیف آرامش و راحتی و امنیت در روزگاران خود بوده اند (ابلقی، ۱۳۸۰). ولی امروزه این شواهد تاریخی کم رنگ شده و رو به نابودی است. از این معماری و خطوط گذشته در ساختمانها مشاهده نمی شود. بافت های تاریخی شهرهای قدیمی ایران، اسناد تاریخ فرهنگ و محیط زیست مردمی است که بنا بر گشت زمانه و غفلت ها و برنامه دولت ها رویه فراموشی سپرده اند. این نسیان حا کم بر معماری و بافت های سنتی و بومی، حاصل تفکر نوگرایانه ای است که تحت تأثیر معماری غرب، در ساختار معماری ایران رسوخ کرده است.

گذرهای تاریخی، شبکه ای هم پیوند از راههایی بوده که شاکله بافت، مقیاس و تعیین فضایی قلمرو همگانی را در شهرهای تاریخی رقم می زده اند. سازواری بافت های تاریخی به نحوی است که سبب می شود تنوع گذر بندی خود را به مثابه بارزترین وجه ایجاد تمایز در بافت بنمایاند، و سبب شود تا هر گذر، عاملی باشد برای ایجاد تصویری مشخص از هر محله یا زیربخش از بافت شهر تاریخی. تنوع در فرم و کالبد گذرها، می تواند سبب تکوین نوعی از نگاه گونه شناسانه شود که در آن معیارهای گوناگونی مانند نحوه شکل گیری و طراحی، شکل، سطوح جانبی، جنس و بافت سطوح، عناصر شاخص و تناسبات فضایی مورد توجه قرار می گیرند. سازواری بافت های تاریخی به نحوی است که سبب می شود تنوع گذر بندی خود را به مثابه بارزترین وجه ایجاد تمایز در بافت بنمایاند، و سبب شود تا هر گذر، عاملی باشد برای ایجاد تصویری مشخص از هر محله یا زیربخش از بافت شهر تاریخی (شعله و مشهور، ۱۳۹۳). در شهرهای تاریخی ایران، گذرها افزون بر این ماهیت شناخته شده، خود عامل تشخیص قلمروهای فرهنگی و زیستی شهرها بوده، و ضمن تعریف ساختار همپیوند محله ها، و تثبیت مرز میان خوشه های همگن، و تحدید مقیاس دسترسی، موجب بازشناسی بخش های مختلف یک شهر (توسلی، ۱۳۷۶) و ایجاد تصویری متمایز برای هر یک از این بخش ها بوده اند تا جایی که نام و وجه تسمیه، شکل، درازا و پهنای هر گذر، و برخورداری از انواع بارزهای کالبدی و کارکردی، خود عامل بازشناخت هر یک از بخشهای شهر تاریخی بوده است. به این تعبیر، فرم گذرها، تا حدود بسیاری، تابع عوامل و انگیزه های گوناگونی بوده، اما آنچه در این میان به عنوان اصلی ثابت می تواند مورد قبول باشد، الگوهای رویدادها در گذرهاست که در هر شهر به گونه ای جلوه گری می کند. نگاه پژوهش حاضر به نقش گذرها در بافت های تاریخی در جهت بازشناسایی بارزه های رویدادهای فضایی می باشد. لذا سوال تحقیق بدین گونه است که عوامل موثر رویداد فضا در گذرهای تاریخی کدامند و شهر میباید به عنوان یک شهر تاریخی دارای کدام بیارزه های مثبت مکانی از نظر الگوهای رویداد می باشد؟

۲- معرفی شهر میبد

میبد در میانه های دشت فرو نشسته یزد - اردکان واقع گردیده است مکان طبیعی - تاریخی آن را میتوان مرکز ثقلدر حوزه فرهنگی دشت یزد - اردکان، در جوار راه باستانی ری به کرمان؛ و بر لبهی تراس طبیعی زمین توصیف کرد که دارای زمین و خاک بسیار مرغوب و قنوت فراوان است (آدینه، ۱۳۹۳). میبد شهری دارای پیشینه ای چند هزار ساله است که دومین مرکز شهری و تجاری استان یزد محسوب می شود و به واسطه بافت تاریخی ارزشمند خود بسیاری از نقاط شهر در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است. میبد امروزه به واسطه گسترش و توسعه محله های کوچک قدیمی و به هم پیوستن به یکدیگر ها آن مجموعه ای به ظاهر واحد تشکیل داده است، اما شارستان قدیم میبد، یا میبد مرکزی یا مادرشهر میبد در داخل مجموعه ای مستحکم و محصور با برج و باروهای سنگین، دروازه های چهارگانه، خندق و استحکامات - دفاعی امنیتی عظیمی واقع گردیده که خود شامل سه محله؛ بالا، پایین و کوچک می باشد.



شکل ۱- بافت تاریخی و شکل گذرها و شارستان در شهر میبد (منبع: آدینه، ۱۳۹۳).

۳- مبانی نظری

۳-۱- معنای واژه

گذر:

- گذر. [گُذُ] (ا) راه. گذار. عبره. راهی که بجهت عبور دریا معین باشد. (آندراج) (گیات) . معبر. جاده. راه شاه. گذری فراخ که از آنجا به راهها و جایهای بسیار توان شد. (فرهنگ اسدی):
- گذر جوی و چندین جهان را مجوی
- گلش زهر دارد بخیره میوی.

گذار:

- گذار. [گُ] (امص) ریشه فعل گذاردن . گذاشتن . عبور . مرور . گذشتن :
- هم به چنبر گذار خواهد بود
- این رسن را اگر چه هست دراز (دهخدا، ۱۳۷۳).

۳-۲- مفهوم گذر

گذر یکی از کیفیت های مهم بافت های تاریخی در معماری معاصر می باشد که کیفیتی ارزشمند در برابر فضاهای ناپایدار عصر صنعت به شمار میرود. وجود گذرها در بافت های سنتی ایران که باتوجه ویژگی های اقلیمی و زیستی طراحی شده اند چشمگیر می باشد. معماران ایرانی همواره سعی در خلق فضایی بودند که در آن به آرامش برسند. گذر در ایجاد تصویری متمایز برای بخش های مختلف شهر بوده اند تا جایی که نام و وجه تسمیه، شکل، درازا و پهنای هر گذر، و برخورداری از انواع بارزهای کالبدی و کارکردی، خود عامل بازشناخت هریک از بخشهای شهر تاریخی بوده است. به این تعبیر، فرم گذرها، تا حدود بسیاری، تابع عوامل و انگیزه های گوناگونی بوده، اما آنچه در این میان به عنوان اصلی ثابت می تواند مورد قبول باشد، تنوع فرم و مقیاس گذرهاست که در هر شهر به گونه های رخ می نمایند. این مهم در شرایطی که محقق گردد تنوع گذر بندی های تاریخی، مهمترین عامل جلوهگری تنوع بارز و عیان در کالبد شهرهای تاریخی است، بیشتر معنا می یابد (شعله و مشهور، ۱۳۹۳).

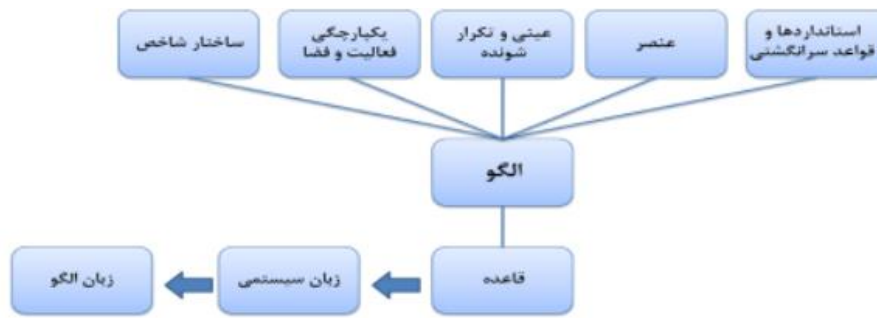
۳-۳- بی زمانی

الکساندر، معماری را یک مقصد، بی مکان و یا رویدادی در فضا تلقی نمی کند بلکه ماندگار بودن و بی مکانی و بی زمانی را بر کالبد بنا ترجیح می دهد. برای تقویت این موضوع الگوها و علی الخصوص کهن الگوها نقشی بیادماندنی در شیوه گری و همدلی دارند که در مفهوم راه بی زمانی ساختن الکساندر مطرح کرد تأثیری شگرف بر ساختار و فرم می گذارند و این خصلت بی بدیل و آشکار است و یونگ این بی زمانی را خصلتی ذاتی در تجربه ای ناخودآگاه جمعی می داند و می گوید: «هر واکنشی بیرون از تناسب یا علتی که آن را به وجود آورده است باید از این دریچه مورد بررسی قرار گیرد که ممکن است این واکنش را یک کهن الگوی ناخودآگاه به وجود آورده باشد». (الکسیاندر، ۱۳۹۰: ۲۳۸). او تمامی آگاهی های ما از دنیا و چیزهایی که در دسترس فوری ما قرار دارند، را از محتویات خودآگاهی می داند که از چشمه های دور با سرچشمه هایی ناپیدا جاری شده اند.

۳-۴- الگو

براساس تعریفی که الکساندر از الگو بیان می دارد: «هر الگو مجموعه عوامل ثابتی است که وجودش برای رفع تضاد نیروهای معینی لازم است و در قالب ماهیتی بیان شده که می توان نامی بر آن نهاد؛ همراه با دستورالعمل هایی چندان روشن که هر کس بتواند یکی از آن الگوها بسازد. بعلاوه مبنای کارکردی آن چنان واضح بیان شده که همه می توانند قضاوت کند که کی صحت دارد یا ندارد، تا بتواند آن را در قلمرو طراحی خود بگنجانند» (الکساندر، ۱۳۹۰: ۲۳۸).

همینطور کیه در دیگرام ذیل مشاهده می شود می توان الگوها را متأثر از عوامل مختلفی دانست به طوری که وقتی ما دنیای اطراف خود را میبینیم و سپس با خلاصه کردن آن به صورت علت و معلول و استناد به راه حل هایی که در شرایط مختلف تکرار می شوند، ساختار آن را درک میکنیم. این اوانین تجربی که نمایانگر نظم و قانده رفتار هستند «الگوها» نامیده می شوند.



نمودار ۱- مفهوم الگو براساس دیدگاه کریستوفر الکساندر

نیکالس سالینگروس^۱ در مقاله خود به روابط بین الگوها می پردازد:

- یک الگو میتواند الگوی دیگری را که در دو مقیاس خردتری قرار دارد شامل شود و یا به آن الگو عمومیت دهد.

- دو الگو میتوانند مکمل یکدیگر باشند به گونه ای که یک الگو برای کامل شدن محتاج به دیگری باشد.

- دو الگو میتوانند یک مسأله را به شیوه های مختلفی حل کنند، به نحوی که هر دو شیوه درست هم باشند.

- دو الگویی که ساختاری مشابه دارند در سطوح بالاتر باهم ارتباط خواهند داشت (Salingeros, 2005).

الگو در آن واحد هم شئی است که در عالم حادث می شود و هم قاعده ای است که به ما می گوید چگونه آن شئی را به وجود آوریم (الکساندر، ۱۳۹۰). این بیان ایشان به روشنی به معنا گرایی اشاره دارد که الگو را هم ماهیت می داند و هم وجود که دارای حیاتی نامیرا و جاوید است و این با نشانی از کهن الگو همراه است که ما نشانه هایی از آن را در مبانی فکری الکساندر مشاهده می نمایم.

۳-۵- رویدادهای مکان

رویدادها و الگوهای مکان در فضاهای زیستی نشات گرفته از کهن الگوهایی هستند که با ضمیر ناخودآگاه انسان سنتی شکل گرفته اند. این الگوها و فرآیندهای حاکم بر آن با توجه به تاریخ و فرهنگ حاکم بر آن شکل می گیرند و به مرحله ای ظهور می رسند برای همین در بطن و فحوی خود حاوی مفاهیمی از ناخودآگاه بشری هستند که در کهن الگوها به آن برمبخوریم و این مفاهیم بیا توجه به گفته خود الکساندر در هر فرهنگی به صورتی هستند؛ گاه خیلی متفاوت اند، گاه صورت هایی از یک الگویند که در فرهنگ های مختلف اندک تفاوتی دارند.



شکل ۲- کارگاه سفال و زیلو میبید (ماخذ: نگارنده)

۳-۶- گذر در بافت تاریخی میبید تجلی گاه حیات انسانی

گذر در بافت تاریخی در واقع گذر از یک توالی تاریخی و زمانی خاص است که به نوعی با گذشتگان و الگوهای فرهنگی و زیستی در ارتباط است. نوعی آرامش خاطر طنین انداز گذرها می باشد، که این آرامش و حیات و سر زندگی را در گوشه گوشه هایی از بافت و شاید در کنار تک درختی و یا سایه یک جداره ای می توان دید. به نوعی این مطالعه یک واکاوی از دل گذر تاریخ در فضاهای تحرک و پویای انسان سنتی می باشد. در این راستا اهمیت حضور و تعالی انسان بواسطه نیروها و محرکه های محیطی که منجر به الگوی رفتار در بناهای سنتی می شوند مهم و ضروری است. چرا که به نقل از کریستوفر الکساندر «بناهای بزرگ سنتی را همواره کسانی ساخته اند که با جوهر این راه (راه بی زمان) قرابت زیادی داشته اند» (کریستوفر الکساندر، ۱۳۹۰، ص ۷).

1 Nicholas Salingros.



شکل ۳- مسیر آب انبار و کاروانسرای شاه عباسی میبد (ماخذ: <https://www.irna.ir>).

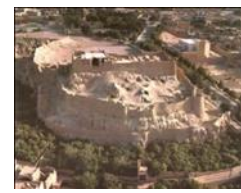
پویایی و پایداری که عنصر شاخص گذرها در شهر میبد می باشند را در قالب حس فضا و مکان بیان بصورت سکانس های یک فیلم در قالب ریتمی نمایشی عرضه می شوند. هر چه الگوی زنده در چیزی -بنایی- شهری بیشتر شود درحالت کلی منسجم تر شاداب تر زنده تر می شود و شور خود بانی وصیانت نفس را که همان کیفیت بی نام است را بیشتر در خود دارد.



شکل ۶- بافت تاریخی محله کوچک (ماخذ: نگارنده)



شکل ۵- کبوتر خانه میبد (ماخذ: نگارنده)



شکل ۴- نارین قلعه میبد



شکل ۷- گذر سالار (ماخذ: نگارنده)



شکل ۸- کوچه باغ و آبگیر در محله کوچک میبد (ماخذ: نگارنده)

۳-۷- گذر و پدیداری فضا

گذر در گذرهای تاریخی شهر میبد بواسطه الگوهای زیبایی شناختی و حسی خاص (که ریشه در فرهنگ و الگوهای زیستی ساکنین دارد) منجر به کشش و ترغیب انسان به درون و حرکت و ادامه می شود. به نوعی کیفیتی ارزنده در اینجا به مخاطب عرضه می شود. برای تعریف این کیفیت در بناها و شهرها باید کار را بادرک این مطلب شروع کنیم که هویت هر فضا از تکرار مستمر الگوهای خاصی از رویداد هادر آن مکان حاصل می شود.

در بعد دوم گذرهای تاریخی شهر میبد تحت تاثیر جریانات والگوهای بستر وقواعد معماری وجریانات دینی_ مذهبی هستند که نمونه روشنی از یک کیفیت درون بنا آمیخته با هنر را به مخاطبان خود عرضه می کنند.

در اینجا سنت و الگوهای سنتی در مرزهای زمان در حال حرکت هستند و زندگی در کالبد گذشته همچنان با روح فضا عجین است. چرا که سنت که ضروری ترین عنصرش مذهب است تا زمانی که تمدن نشات گرفته از آن و قومی که این سنت را می پذیرند باشند دوام خواهد داشت. سنت اصل زندگی بخش به حیات هر قومی است. هر جا سنت حاکم باشد، هر وجهی از حیات و نه تنها هنر ها با اصول روحانی مرتبط خواهند بود. در حقیقت، هنر ها با رزترین تجلیات اصول سنت هستند.

تمدن اسلامی ارائه دهنده ی نمونه ی بر جسته ای از یک تمدن سنتی است. «وله المثل الاعلی فی السموات و الارض» (روم/ ۲۷) مثل برتر از آن خداست. «خلق السموات والارض بالحق ان فی ذالک الایة للمومنین» خداوند آسمان ها واین زمین را بر حق آفریده؛ یقین در این آفرینش نشانه ای برای اهل ایمان است. (عنکبوت/ ۴۳) بنای سنتی تجلیگاه یک قدرت برتر و یک حقیقت متعالی می باشد. الگوهای بکار رفته در بنای سنتی نشان از یک منشا آسمانی ودید گاه دینی دارند. اصول سنت همه ی عناصر به وجود آورنده ی یک صورت معماری قبیل؛ فضا، شکل، نور، رنگ و ماده را شامل می شود. در پرداختن به اصول سنت نیاز به بررسی الگوهای رفتاری در فضا می باشد. فضا از طریق آنچه در آن قرار دارد درک می شود و به فضای پیرامون یا فضای ما بین تبدیل می گردد. فضا مجموعه ای است از روابط میان اشیاء و آنگونه که ارسطو بیان کرده حتماً نمی بایست که از همه سمت محصور باشد و بدین سان اجباری نیست که همواره نهایی داشته باشد.

۳-۸- زبان الگو در گذر های تاریخی

زبان الگوی مشترک زبانی است که عموم مردم بر آن صحه می گذارند و آن را به عنوان یک جذب قبول دارند و درک آن برای عموم به لورت ناخودآگاه است همانطور که حس توسیالوژیک یک مکان انسان را به دور دست ها می برد بدون آنکه از آن آگاهی لازم داشته باشیم یا لحظه ای در آن فضا حضور داشته باشیم. ساختار زبان حاصل شبکه روابط میان تک الگوهاست؛ و کل زبان به همان اندازه زنده است که الگوهای تشکیل دهنده آن کل زنده اند (الکساندر، ۱۳۹۰: ۲۶۳). زبان الکساندر بر این نکته تصریح می کند که شهرهای سنتی در تمام اجزاء و عناصر -از بازار و دکان گرفته تا دروازه و باغ- در ایجاد این کل شریک می شوند، در حالی که شهر امروز چنین نیست. البته زبان الگوی الکساندر و سیستم طراحی که او و همکارانش ارائه داده اند یک گرایش غالب پوپولیستی است و آن هم به دلیل همان نگاه رفتارگرایانه ای است که همیشه به دنبال تلفیق طرح و زمینه با هم است. اغلیب گرایشات فکری او در دهه های آخر ۷۰ به یک گرایش و یک مفهومی از عشق و تجلی یک بیان کهن الگویی می رسند که در مسیر نهادینه کردن یک بی زمانی در کیفیات زیستی انسان گذشته اند.



شکل ۹- گذر محله کوچک (ماخذ: نگارنده)

۳-۹- درک اثر تاریخی (فهم حصولی و حضوری)

در برخورد با اثر معماری معمولاً مقوله های مختلفی مورد نقد و بررسی قرار می گیرد. بسیار مشاهده شده که از یک بنای واحد معماری نتیجه گیری های فلسفی و اعتقادی شده، برای مثال بارها شاهد نسبت دادن وحدانیت و یکتایی یک بنا به مثابه وحدانیت وجود متعالی پروردگار بوده ایم، یا به عبارت دیگر گفته شده چون فلان بنای تاریخی تک است و دارای ویژگی های منحصر بفردی در دوره خود است پس معمار آن بنا را به نیت پروردگار خود ساخته است. در مرحله اول چند تعریف ارائه می شود:

فهم حضوری: اگر انسان مطلبی را خودش درک کند به آن فهم حضوری گویند، مانند: حس تنفر، عشق و...

فهم حصولی: اگر انسان مطلبی را از بیرون از وجود خود درک کند به آن فهم حصولی گفته می شود، مانند: داغ بودن شی ای.

رابطه نظم و معماری: انسان برای رسیدن به هدف زیستی خود در جهان مادی فضایی را برای خود می سازد که به این هدف خود برسد، پس فضای زیستی خود را با هدفی که در پیش دارد شکل (نظم) می دهد. «و اوحی ربک الی النحل ان اتخذی من الجبال بیوتا ومن الشجر ومما یعرشون» (نحل/۶۷) و پروردگارت به زنبور عسل وحی کرد (در طبیعت وی را قرار داد) واز کوه ها و درختان و داربستهایی که می زند خانه هایی فرا گیرید. در این آیه دلالت بر این است که با استفاده فهم حصولی انسان نظم درون بنا را متذکر گردد و با اکتفا به این نشانه ها سامانه زیستی خود را هدف بخشد. در چنین فضای معنوی تنش های اجتماعی به کمترین حالت ممکن خود می رسد زیرا فرهنگ و نحوه جهان بینی اسلامی در اعماق سیستم عصبی انسان از گذشته نفوذ کرده و تعیین کننده نحوه ادراک او از جهان شده است. و "بیشتر قسمت های فرهنگ پنهان بوده و خارج از توان کنترل ارادی است و تا و بود وجود انسانی را تشکیل می دهد" (ادوارد ت هال، ۱۳۸۴، ۲۲۲).



شکل ۱۰- محدوده خندق و گذر پیرامون بنای تاریخی نارین قلعه میبد (ماخذ: <https://www.irna.ir>).

۴- یافته‌های و نتایج

در بررسی بناها و تاریخ معماری گذشته آنچه در اولویت برای یک محقق است اسناد معتبر و کافی برای درک آنچه که در گذشته اتفاق افتاده است، پس ما برای نسبت دادن ویژگی فلسفی به یک بنا باید با تکیه بر مستندات گفتگو کنیم. در حالی که در بُعد عملکردی خود بنا استنادی است به عملکرد خویش. به زبان دیگر اگر فضایی در بررسی یک بنای معماری دارای کارکردی نامشخص بود (یعنی هیچ سند معتبری برای آن نداشته باشیم) به هیچ وجه اجازه ادعای کارکردی به آنچه از آن فضا درک شده را نداریم. نباید فراموش کنیم که نمایش ویژگیهای اعتقادی و فرهنگی همیشه در بطن یک بنا و در قالب کارکرد خود همه چیز را بیان می‌کند و چیزی برای پنهان کردن ندارد که ما بخواهیم بعدها آن را کشف کنیم. هر منطقه ای و هر فرهنگی برای خود دارای ویژگیهای است که اگر بخواهیم تمام الگوهای رفتاری و فرهنگی یک منطقه را به بناهای آن منطقه نسبت دهیم، الگوبرداری معماری چیزی بی ارزش و بی مفهوم خواهد بود.

جدول ۱- شاخص های رفتاری موثر در گذرهای تاریخی شهر میبد در زمینه ارتداد انسانی (ماخذ: نگارنده).

مولفه های گذر	عناصر تاثیر گذار	زمینه های ارتداد انسانی
عناصر شاخص و المانی	قلعه، کبوترخانه، آب انبار، مساجد، یخچال ها	مکت و دید و گذشتن
شکل گذر	گذر های سلسله مراتبی	عدم یکنواختی و یکدستی
پوشش گیاهی	پرچین های کبری شکل در کوچه ها-الگوهای تک درختی در فضاهای نیمه باز -حوض ها و استخرها و برکه های منتهی به گذر	توجه به سرزندگی و پویایی محیطی
فضای مکت	واشدگاه ها و دروازه های تاریخی جهت چرخش ها به مناظر جدید	توجه به حالات و تعویض روحیات انسانی
تناسبات	الگوهای بارک شونده و گشاد در مسیرهای دسترسی	تنوع بعد دیداری فضا
اقلیم	کوچه هایی با دیوارهای محصور	جلوگیری از جریان های شدید آب و هوایی-خنکای محیط و سایه اندازی

با پیروی از مبانی و تحلیل های نظری پژوهش آنچه برآیند می شود بدین گونه است که در روزگار ما الگوهای فضایی در نقش رویداد از کار افتاده اند، چون این زبان ها دیگر عمومی و مشترک نیستند و روند هایی که آن ها را پر مایه می کنند ارو به افول نهاده اند. این کیفیات را نمی شود ساخت بلکه با استفاده از یک سری عناصر شاخص کارکردی که در گذشته نقش مثبت جریان سازی را داشته اند، می توان به فضاهای امروزی در گذرهای جدید جانی دوباره داد.

منابع

۱. قران کریم. (سوره های روم، عنکبوت)
۲. ابلقی، علیرضا (۱۳۸۰)، بافت تاریخی، حفاظت، مرمت، بهسازی یا نوسازی، مجله هفت شهر، شماره ۴، سال دوم، تابستان و پاییز ۱۳۸۰.
۳. آدینه، علی (۱۳۹۳)، نارین قلعه میبد بررسی ساختار کالبدی کهن دژ به عنوان هسته اصلی شهر تاریخی، دانش مرمت و میراث فرهنگی دوره جدید سال دوم پاییز و زمستان ۱۳۹۳ شماره ۴
۴. تی هال، ادوارد (۱۳۸۴)، بعد پنهان، ترجمه منوچهر طبیبیان. مشخصات نشر، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ.
۵. الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۰)، معماری و راز جاودانگی راه بی زمان ساختن؛ برگردان: مهرداد قیومی بیدندی، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۶. توسلی، محمود (۱۳۷۶)، ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران، تهران: پیام، چاپ اول.
۷. شعله، مهسا ویوسفی مشهور، سارا. (۱۳۹۸)، واکاوی گونه شناسانه عنصر گذر در بافت تاریخی شهرهای ایران مورد پژوهی بافت تاریخی شیراز. دانش شهرسازی، دوره ۳، شماره ۳، صص 83-108.
۸. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، ۱۳۷۴.
۹. نقی زاده، محمد، ۱۳۸۶. ادراک زیبایی و هویت شهر (در پرتو اسلامی) اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
10. Salingaros, N. (2005). The Structure of Pattern Languages. arq -- Architectural Research Quarterly, Vol 4, PP. 149-161.
11. Hall, Edward Twitshall. 1990. The Hidden Diminsionz

